

نقش جهان؛ شکوه فرهنگی نصف جهان

هادی زمانی

دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی،
دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش (نویسنده مسئول)
hadizamani1404@yahoo.com

محمدرضا حسینی

دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی،
دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران
m.hosseini@abru.ac.ir

چکیده

میدان نقش جهان به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمادهای فرهنگی و تاریخی ایران، همواره کانون توجه پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و تاریخ هنر بوده است. این مقاله با الهام از رویکرد جامعه‌شناسان فرهنگی همچون «رولان بارت»، تلاش می‌کند تا میدان نقش جهان را نه صرفاً به عنوان یک بنای معماری، بلکه به مثابه روایتی زنده از پیوند سیاست، مذهب، اقتصاد و هنر در تاریخ ایران تحلیل کند. هدف اصلی پژوهش، معرفی الگویی برای جهانی‌سازی آثار تاریخی ایران از رهگذر تولید متون فاخر فرهنگی و ادبی است؛ الگویی که بتواند همچون تجربه موفق «برج ایفل» در فرانسه، میدان نقش جهان را به نمادی جهانی تبدیل کند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که میدان نقش جهان، فراتر از یک اثر معماری، بازتاب‌دهنده هویت تاریخی و فرهنگی ملت ایران است؛ هویتی که در بستر رویدادهای بزرگ تاریخی، همزیستی ادیان و اقوام، و شکوه هنر و معماری ایرانی اسلامی شکل گرفته است. این مقاله بر ضرورت توجه به روایت‌سازی ادبی و جامعه‌شناسانه برای معرفی و برندینگ جهانی آثار تاریخی ایران تأکید دارد و میدان نقش جهان را نمونه‌ای ممتاز از ظرفیت‌های بی‌بدیل میراث فرهنگی ایران می‌داند.

کلمات کلیدی: میدان نقش جهان، اصفهان، جامعه‌شناسی فرهنگی، هویت تاریخی، معماری ایرانی اسلامی، برندینگ فرهنگی، ارتباطات بین‌المللی

مقدمه و بیان مسئله

مطالعه های فرهنگی در طول دهه گذشته گرایش نوینی در مطالعات فرهنگ بوجود آورده که آنرا از چهارچوب رشته ای خاص خارج و به طور مستقل موضوع شناخت قرار می دهد. طرفداران این گرایش معتقدند که نتیجه این فعالیت توسعه ی قلمروی بوده است که با نگاه تازه ای ماهیت فرهنگ های انسانی را مورد توجه قرار داده است. ریموند ویلیامز در معنای مختلف فرهنگ نتیجه می گرفت که در حوزه ای بیرون از علوم طبیعی، فرهنگ به طور کلی در سه معنای متفاوت به کار رفته است: (۱) هنرها و فعالیتهای هنری؛ (۲) اولین مظاهر نمادی از یک شیوه خاص از زندگی که آموخته می شود، و (۳) فرآیند توسعه (بالدوین^۱، ۱۹۹۹). در بررسی مطالعات فرهنگی از دیدگاههای گوناگون عده ای به تولیدات فرهنگی تکیه دارند و عده ای دیگر به متون فرهنگی و بعضی بر زندگی فرهنگی اشاره می کنند که میان این سه رابطه وجود دارد (محسنی، ۱۳۸۶).

در این زمینه جامعه شناس فرهنگی با عینکی متفاوت به جامعه و اجزا و محصولات آن می نگرد. او از دریچه ادبیات و هنر؛ جامعه شناسانه زندگی فرهنگی مردم را مورد مطالعه قرارداده و مقالات علمی خود را با چنین نگرشی تدوین و تالیف می کند. چنین سنتی باعث خواهد شد تا آثاری چون مقاله «برج ایفل» رولان بارت^۲ (۱۹۷۹) اثری معماری و تاریخی در فرانسه را با تمام بی کارکردهایی هایش به میراث فرهنگی جهانی تبدیل کند (بارت، ۱۳۸۰). روایت سازی و داستان پردازی جامعه شناسانه در کنار هویت تاریخی و اطلاعات علمی زمینه تولید متونی فاخر را فراهم می نماید. روایت هایی که چشم اندازهای آینده توسعه اجتماعی را با داستان های در سینه نهفته پدر بزرگ ها و مادر بزرگ هایمان پیوند می دهد و این رسالتی بزرگ برای جامعه شناسی فرهنگی است.

ایران اسلامی با تمدنی هفت هزارساله و وجود انبوهی آثار باستانی با هویتی شناخته شده و بعضا ثبت شده در آثار و کتب مفاخر و فیلسوفان و حکمای پارسی و میراث فرهنگی ماندگار که تحت تاثیر متقابل فرهنگی به تعالی رسیده است و عناصر توسعه بخش و منحصر به فردی را در خود پرورانده است، نیازمند جامعه شناسان ادیبی است که با قلم توانای خود این میراث تاریخی و ارزش های والای انسانی و روایت های موجز و اثربخش را در قالب متون فاخر به میراثی جهانی تبدیل کنند. در حال حاضر «۶۲۰ اثر از شهرتات اصفهان در فهرست آثار ملی ثبت شده است» که می طلبد با نگرشی عمیق به مستندسازی آنها در قالب آثار فاخر ادبی و هنری پرداخت (اسناد راهبردی برنامه ششم توسعه استان اصفهان، ۱۳۹۶؛ ویکی پدیا، ۱۴۰۳).

¹ Baldwin

² Roland Barthes

یکی از ارزشمندترین و با شکوه ترین این آثار که می تواند با برج ایفل و آثار جهانی در جذب توریست رقابت کند، میدان نقش جهان است. میدانی با معماری بی نظیر، آجرکاریها و کاشیکاری های رنگارنگ و چشم نواز و کاربردی سیاسی، مذهبی و اقتصادی که شکوه یک تمدن را برای همیشگی تاریخ در هر زمان به نمایش می گذارد.

نقش جهان شکوه فرهنگی نصف جهان

بیش از آنکه نقوش و ترکیب رنگ منحصر به فرد کاشی کاری های گنبد فیروزه ای مسجد شیخ لطف الله جلوه نمایی کند، شکوه یک تاریخ است که جلوه هر بیننده ای را به تحسین و تمجید وامی دارد. هرچند هر جا که چشم می چرخد و نظاره می کند؛ خط ثلث علیرضا تبریزی عباسی رخ می نماید و هنر معماری استاد علی اکبر عباسیدر طراحی و ساخت بناها چشم اندازی بی نظیر را به رخ می کشد (متی^۱، ۲۰۱۲)، گویی فراتر از یک سازه؛ شیخ بهایی به دنبال چکیده کردن هویت و میراث فرهنگی ایرانی اسلامی مان در داخل یک میدان به درازای ۵۶۰ متر و در پهنای ۱۶۰ متر است (هیلنبرند، ۱۹۹۴). هویتی برخاسته از سیاست، اقتصاد و مهم تر از همه مذهب که همیشه تار و پود شخصیت مردمان این سرزمین را به هم بافته است و گاهی از این کارخانه فرهنگ سازی، حریری ترمه گون با ظرافتی بی نظیر و بافته شده از تار ابریشم اعتقاد و ایمان و پود تلاش و کوشش و تعهد به نام ترمه عباسی که تنها شایسته قامت پادشاهان خردمند بوده است و گاهی هم پس از حمله محمود افغان و ویرانی این خاک پس از گذشت سالیان سال، نمدی بی قواره تولید شده است. هرچه هست ریشه در این سرزمین و شکوه آن که میدان نقش جهان باشد، دارد.

میدان بادویست حجره (سوان^۲، ۱۹۶۶) که سرتاسر آن را همچون زنجیره ای از توالی های احساس پویندگی و تلاش در حالی که تولید کنندگان و فروشندگان صنایع دستی چون قلم زنی، خاتم کاری، مینیاتور و ده ها هنر بی بدیل دیگر کاخ عالی قاپو به عنوان ارگ حکومتی و مقر سیاسی حاکمیت را به دو مسجد باشکوه که هر یک چون پیری فرزانه در سکونگاه میدان جلوه نمایی کرده و به عنوان مقر حاکمیت مذهب و جلوه گاه دین، این میدان با عظمت را به بازار پیوند می دهند.

بازار، رکن اقتصاد و تحقق عقل معاش جامعه، جایی که مردمان در تکاپوی رشد و توسعه خود و جامعه، زمینه توانمندسازی پایدار کشور را فراهم می نمایند و عظمت این رکن اقتصادی حکومت تشیع صفوی در سردر قیصریه که دورانی نه چندان دور دارای سه طبقه که اکنون تنها دو طبقه از آن باقی مانده است، جلوه نمایی می کند. گویی پس از حمله افغانه و هوتکی ها

¹ Mathhee

² Swaan

و فروریختن هیمنه شاهان صفوی و ایجاد ناامنی و فروکاست اقتصاد، دیگر این رکن سوم حکومت صفوی نیازی به جلوه نمایی شکوه خود در نثار خانه طبقه سوم نداشته و لذا خیلی زود این محل نواختن و جلوه نمایی کردن در هر بامداد و شامگاه با چهار درب فرعی و یک دروازه اصلی و یک حوض آبنا و نقاشی‌های زیبای رضا عباسی، رو به نابودی می‌گذارد. شاه سلطان حسین که چله نشینی در مدرسه چهارباغ و در حجره محقری در ضلع شمال غربی را بر شکوه شاهی به اجبار محمود افغان برمی‌گزیند. دیگر مجالی برای اقدام ندارد و در این وانفسای زندگی شاید بهتر از هر زمان دیگری می‌تواند، ببیندیشد که حکمرانی اصولی دارد و بر پایه خردمندی و شایستگی استوار است و نیک در پنداره خود بگنجاند که اگر آن روز که محمود افغان برای دادخواهی از حاکم نالایق هرات به دولتشاه صفوی آمده بود فارغ از در بدگویی و بی‌لیاقتی درباریان، او را نواخته بود. اکنون رعیتی مطیع داشت نه گردنکشی ویرانگر و لذا دیگر چه نیازی به ناقوس دیر هرمز و ساعت قلعه پرتقالی‌های جزیره هرمز که پس از فتح آن جزیره توسط سردار بزرگ امام قلی خان و پایان استیلای امپراتوری پرتغال بر جنوب ایران به نشانه عظمت و شکوه سپاه ایران بر بالای این بنای باشکوه و سردر قیصریه‌نصب گردید(هیلنبرند^۱، ۱۹۹۴). اکنون نه از آن سپاه و نه از آن همه شکوه سپاه قزلباش چیزی باقی نمانده است. عظمتی که با حمله محمود افغان هوتکی به یکباره فرو ریخت و این درخت تنومند سلسله صفوی بر اثر موریانه درباریان و مسئولان فاسد و نالایق و بی‌کفایت با یک اشاره فرو ریخت. این واقعه آنچنان دهشتناک بود که حتی میدان نقش جهان را که نماد عظمت و شکوه ایران صفوی بود، در حیرت بی‌پایان فرو برد. هنوز قدم‌های نحس محمود افغان به در ورودی دولتخانه صفوی نرسیده بود که مینیاتورهای زیبا و وسوسه انگیز رضا عباسی و کاشی‌های هفت رنگ و تزیینات و خطوط اسلیمی و نقوش زیبایی گل و بته و شکارگاه حیوانات و پرندگان منقش بر لای چینی و کشته‌بری کاخ به یکباره رنگ باختند و دیگر هرگز جلوه دوران شاه عباس را به خود نگرفتند(سوان، ۱۹۶۶). چرا که ظل السلطان حاکم مستبد و کم عقل قاجار نیز که بعدها به صدارت اصفهان رسید، جز کینه‌ای دیرینه با صفویان و اصفهان در خراب کردن و ویران سازی این تمدن باشکوه نداشت. هرچند میدان از ظلم این اعجوبه فساد در امان ماند اما در این راه کاخ آیینه خانه و کاخ هفت دست و عمارت نمکدان و بسیاری از بناهای باشکوه خود را قربانی میدان کردند تا نقش جهان بماند و جلوه‌گاه فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی یک ملت برای تمام تاریخ قرار گیرد. میدان نقش جهان هرچند خاطره فتح هرمز و ورود شکوهمندانه سردار امام قلی خان را به خود در میان همه شادی

¹ Hillenbrand

و چراغانی مردم هرگز دیگر تجربه نکرد اما قیام و جوشش مردمان را پس از سال‌ها ظلم و بیداد در دوران مشروطیت بار دیگر نظاره‌گر شد تا غیر از اعدام‌های بزرگ مردان که مکررا رخ می‌داد و قلب او را جریحه دار می‌کرد. در دوران کهنسالی شاهد جلوه‌گاهی از آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی باشد.

این بار علمای واقعی و بزرگان و آزادی‌خواهان با مردمانی خسته از درد و رنج استبداد و استعمار در میعادگاه آزادی و شور؛ میدان نقش جهان گرد هم آمدند و شعار آزادی‌خواهی سر دادند. او که در آغاز کهنسالی جراحات بی‌شماری بر پیکره خود داشت. از این زخم‌ها می‌نالید اما شادمان بود که بار دیگر میزبان رویدادی با عظمت شده است و یاد و خاطره روزگارانی را به یاد می‌آورد که برای هر جشن و مولودی شاه بر بلندای ایوان عالی قاپو می‌ایستاد و خیل مردمان از چهار سوی میدان، دسته دسته با علم و کتل به میدان بار می‌دادند.

شاید هرگز از سال ۱۰۱۵ شمسی که متولد شده بود تاکنون چنین عظمتی به خود ندیده باشد. اتفاقی که با «کتک زدن بازاریان اصفهان توسط سربازان مرندی»، خشم مردم را برانگیخت و باعث شد تا در اول دی ماه سال ۱۳۲۷ قمری مردم معترض به حکمرانی اقبال الدوله مستبد، بازارها را ببندند و در مسجد شاه در جنوب میدان نقش جهان تحصن کنند و با تیراندازی تعدادی از مردم مسلح به نیروهای دولتی قیام مردم اصفهان بر علیه استبداد را شکل دهند و میدان نقش جهان شاهد فریاد آزادی‌خواهی مردمی باشد که ندای آنها از گلوی آیت الله نورالله نجفی اصفهانی و آقا نجفی و ضرغام السلطنه و صمصام السلطنه از ایل بختیاری در طنین حجره‌های میدان نقش جهان شنیده شود.

با پیوستن بازاریان و خیل عظیم مردم معترض به روحانیون مبارز و ورود ایل بختیاری میدان نقش جهان بار دیگر خاطره «نبرد مورچه خورت و شکست اشرف افغان و سپاهیان متحد عثمانی او را در برابر سپاهیان قدرتمند نادرشاه افشار» تجربه نمود. هر چند با جلوس شاه طهماسب دوم و شاه عباس سوم هرگز شکوه گذشته صفوی به همان دلیل که باعث سقوط شاه سلطان حسین شده بود یعنی درباریان بی‌کفایت و مفت‌خور و اشغال مسئولیت‌ها و پست‌های حساس دولتی توسط آدم‌های بی‌سواد پرمدها و دست‌آویز قرار دادن مذهب به عنوان اهرم فشار بر جامعه و سهم‌خواهی، به این سلسله جلیل‌القدر بازنگشت اما پادشاهان صفوی به تبعیت از نیاکان توسعه‌محور خود هر یک باعث توسعه آبادانی و ساخت بناهای باشکوهی در این شهر بره‌امون نهاده شدند که به تعبیر حکیم ناصر خسرو «آب و هوایی خوش دارد و هر جا که ده گز چاه فروبرند آبی سرد و خوش بیرون آید».

از شاه عباس کبیر که به دلیل دور شدن از مرزها و استفاده از موقعیت سوق الجیشی مرکزیت جغرافیایی اصفهان و همچنین کاستن قدرت قزلباش‌ها، بهبود تجارت و از همه مهم‌تر ترس از «پیشگویی منجمانی که ماندنش در قزوین را بر جان‌ش خطرناک دانسته بودند و همین امر باعث شد تا با مشورت شیخ بهایی، اصفهان را برای پایتختی برگزینند و باغ نقش جهان را که تنها کوشکی کوچک از دوران آق‌قویونلوها در مجاورت آن استقرار داشت» (هیلنبرند، ۱۹۹۴) به میدانی با عظمت و با شکوه بدل کند، تا شاهان صفوی که هر یک با احداث بنایی بر شکوه این شهر زیبا افزودند و تجلی گاه هنر و معماری بی بدیلی به نام سبک اصفهانی شدند.

«از ویژگی‌های مهم در شیوه معماری این دوره علاوه بر استحکام و زیبایی ساختار، درخشش بیان است. در آثار این دوره تابش رنگ و نور و جذابیت سطوح و شکوه چشمگیر آنها احساس زیبایی خیره کننده‌ای در بیننده ایجاد می‌کند و طنین رنگ‌ها و سطوح مکرر کاشی‌های درخشان به منظره‌ای شفاف، مجرد و روحانی تبدیل می‌شود. معماری این دوره از لحاظ وسعت و کارایی بسیار متنوع است و در تمامی ابعاد حیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردم حضوری زنده و پویا دارد. باشکوه‌ترین مساجد، عظیم‌ترین میدان‌ها، زیباترین پل‌ها و خیابان‌ها، بزرگترین بازارها، مدرسه‌ها و کاروانسراها در این عصر ساخته شده‌اند و همه در نوع خود در اوج کمال هنری استحکام و کارایی و بعضی چنان باشکوه و زیبا و کامل که گاهی نمی‌توان باور کرد که انسانی ناچیز آن را پدید آورده باشد.» (هیلنبرند، ۱۹۹۴).

عصر صفوی را باید عصر شکل‌گیری هنر، معماری و ادبیاتی نوین و تکامل یافته در نظر گرفت تا جایی که این کلانشهر پس از دوران سلجوقیان به عنوان یکی از کلان‌شهرهای ایران با «وجود سه میراث جهانی یونسکو در خود و در قالب چهاردهمین کلان‌شهر پرجمعیت خاورمیانه دارای نزدیک به ۱۰ هزار اثر در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری است که ۶۲۰ اثر در فهرست آثار ملی ثبت شده است و ۲۵۰ اثر آن نیز آماده ثبت در این فهرست می‌باشد» (ویکی‌پدیا، ۱۴۰۳).

از ضلع جنوب غربی میدان نقش جهان که وارد خیابان سپه می‌شوید، ساختمان‌های بانک‌ها جلوه‌نمایی می‌کند و چشم از جلوه بانک ملی فارغ نشده است که کوشک آق‌قویونلوها و آل بویه و عمارت کاخ چهل‌ستون در پشت سر آن جلوه‌نمایی می‌کند. این عمارت دقیقاً با کمی فاصله پشت عالی‌قاپو قرار دارد و قطعاً باید از طریق راهرویی زیرزمینی به آن متصل باشد، همان گونه که مسجد شیخ لطف‌الله نیز از طریق راهرویی زیرزمینی به کاخ شاه متصل است. تا مسیر شاه و همسرش به خانه شیخ لطف‌الله پدر زنش به دور از زحمت مردمان فراهم باشد. (سوان، ۱۹۶۶)

نقاشی‌های باشکوه تالار اصلی این کاخ که حاوی وقایع تاریخی جنگ چالدران، نبرد مرو، جنگ کرنال در دوران‌های مختلف سیاسی، تاریخی است. با گنبدی منقش با لچکی‌های رنگارنگ و طرح‌های طلایی و شفاف از شاهکارهای هنری عصر صفوی (سوان، ۱۹۶۶) هر ایلچی و سفیر خارجی را به تحسین و تعظیم وامی‌دارد. ۱۸ ستون، تالار آئینه شیرهای سنگی چهارگوشه، حوض مرکزی، تزیینات عالی طلاکاری، نقاشی‌های سالن پادشاهی و تصویر شاه عباس کبیر با تاج مخصوص، نظرگاه این کاخ باشکوه را فراتر از بازتاب ۲۰ ستون ایوان عمارت در آب قرار داده است. تا کاخ چهل ستون از تندیس‌های چهار گانه در گوشه استخر باغ که نماد آناهیتا ایزد بانوی آب‌هاست (هیلنبرند، ۱۹۹۴) و آیین مذهبی ایرانیان در ۷۰۰ سال پیش بوده است، رخ نمایی کند. از درب پشتی باغ وارد ورودی خیابان فعلی استانداری و باغ هشت بهشت و کاخ باشکوه هشت بهشت می‌شویم کاخی زیبا در وسط باغی همجوار خیابان چهارباغ که تعالی بخش معماری سبک اصفهانی به تمام معناست.

شیوه معماری سنتی ایرانی که ساده بودن پلان‌ها وجود گنبد، مناره، طاق و آئینه‌کاری در کنار گچبری و کاشی‌های هفت رنگ و توجه خاص به رنگ آبی فیروزه‌ای به گنبدها شکل خاصی داده و با نقش بر دیواره‌ها (متی، ۲۰۱۲) سبکی از معماری را پدید آورده که در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد.

با ورود به خیابان چهارباغ هنوز می‌توان صدای سم اسبان سربازان قزلباش که در دسته‌های هفت نفری شاه عباس کبیر را مشایعت می‌کنند، به وضوح شنید. شاه بر بلندای اسب آخال‌تکه، آرام نظاره‌گر مردمانیست که از کوچه‌های اطراف این خیابان به سمت پل الله وردی خان در حال حرکت و جوش و خروشدند. در مقابل پل انبوه مردمانی را می‌توان نظاره کرد که طول پل را برای ورود به بالارود و رسیدن به باغ زرشک طی می‌کنند.

در این نظرگاه جلوه رنگ و حرکت و کوشش و جوشش آنچه که بیش از همه ذهن جهانگردان و سیاحان را صیقل می‌دهد؛ مهربانی و مهمان‌نوازی و علم دوستی و هنرپروری مردمان این سرزمین است. گویی کاشی‌های هفت رنگ مسجد شیخ لطف الله پیش از آنکه بر گنبد فیروزه آن نقش بر بندد، در قلوب و ذهن مردم اصفهان در این همدلی و همراهی و یکپارچگی به کمال رسیده است. کمالی برخاسته از همزیستی اقوام و مذاهب مختلف در آرامش و امنیتی بی‌همتا.

ترکیب «کاشی کاری‌های هفت رنگ» و نورهایی که از دریچه‌های مختلف به آن می‌تابد، بیش از آنکه تاثیر خیره کننده‌ای بر بینندگان داشته باشد، جلوه‌گاه پلورالیسم دینی مذاهب یهودی، مسیحی (ارمنی)، زرتشتی، آشوری، اسماعیلیه و شیعیان دوازده امامی است که در مجاورت یکدیگر در صلح و آرامش به جنب و جوش و تکاپوی زندگی مشغولند و چگونه

می‌توان از این همه نظریازی گذشت. از این همه کمال گرایی، توسعه محوری و شکوه علم و هنر، رنگ بازی کاشی‌های هفت رنگ در مردمک چشمان خیره شده؛ شاید شیوخ نام آور و اندیشمندی چون شیخ بهایی، شیخ لطف‌الله میسی عاملی، میرفندرسکی و میرداماد هرگز تا به این حد علم پروری و دانش محوری مردمان این دیار را نستوده باشند. وجود مدرسه شیخ لطف الله در جوار میدان نقش جهان، مدرسه چهارباغ مدرسه صنعتی، مدرسه سلطانیه و... که همگی در اطراف میدان نقش جهان به تعلیم و تعلم می‌پرداختند، گواه این مدعاست.

زیبایی و عظمت اصفهان عصر صفوی در جلوه‌گاه هنر و معماری این دوره در کنار تنوع فرهنگی و اقتصادی با وجود بازار بزرگ این شهر که محور تجارت پررونق ایران محسوب می‌شده است، در کنار همزیستی اقوام و مذاهب مختلف؛ این شهر زیبا را ملقب به نصف جهان نموده است. چرا که بیش از جلوه نمایی تضارب اندیشه‌ها، مذاهب، قومیت‌ها و نژادهای مختلف در همزیستی با یکدیگر، شکوه میدان، روایت‌ها و داستان‌هایی را در نظرگاه خیال به نمایش گذاشته و در تارک حافظه بلند مدت مردمان این دیار حک نموده است که شنیدن آنها تجربیات شخصی و فرهنگی که تفسیری بر متون و معنا سازی و معنا شناسی برای جلوه‌گاه هنر و معماری اصفهان را در ذهن هر خواننده و شنونده ای باز معنا می‌کند. گویی اصول هرمونوتیک، پیچیده ترین مفاهیم فلسفی، اجتماعی و روان شناختی نهفته در دل این حکایات را در ضمیر ناخودآگاه مردمان این خطه از بهشت تا ابد جاودانه نموده است.

جمع بندی

این مقاله به بررسی نقش «میدان نقش جهان» اصفهان به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمادهای فرهنگی و تاریخی ایران پرداخته است. به طور اجمالی می‌توان گفت که این میدان نه تنها یک اثر تاریخی، بلکه مکانی است که می‌تواند روایتگر داستان‌ها و گفتمان‌های اجتماعی معاصر باشد، همچنان که به عنوان یک جاذبه تاریخی و میراث فرهنگی مهم در سطح جهانی شناخته می‌شود. این میدان به عنوان نمادی از تاریخ و فرهنگی پربار، همچنان به یادآوری هویت و ارزش‌های ایرانی ادامه می‌دهد و می‌تواند به عنوان مرجعی برای فهم عمیق‌تر از فرهنگ و تاریخ ایران در نظر گرفته شود.

بررسی ابعاد تاریخی، معماری و اجتماعی میدان نقش جهان و ویژگی‌های خاص این اثر و تأثیرات فرهنگی آن نشان می‌دهد که میدان نقش جهان با تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران و به ویژه اصفهان پیوند تنگاتنگی دارد.

با توجه به ویژگی‌های معماری و زیبایی‌های هنری این میدان، می‌توان اذعان داشت که این اثر فاخر و ارزشمند با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، نمایانگر تنوع فرهنگی و تاریخی ایران است. میدان نقش جهان، با نمادها و عناصر هنری‌اش، به‌ویژه در دوره صفوی، به مثالی از

شکوه و عظمت فرهنگ ایرانی تبدیل شده است و همچنان به عنوان یک جاذبه گردشگری مهم شناخته می‌شود.

در حقیقت میدان نقش جهان به عنوان یک نماد فرهنگی و تاریخی تجلی‌گر هویت و تاریخ غنی ایرانی-اسلامی است. این میدان نه تنها میراثی از گذشته است بلکه امکان روایت جدیدی از فرهنگ و هویت معاصر ایرانیان را فراهم می‌آورد.

روایت‌ها و حکایت‌های گذشته نصف جهان بیانگر این است که گویی عرفان و معرفت نه در بین علما و بزرگان علمی که در بین عموم صفوف مردمان عصر صفوی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و از دیرباز میدان نقش جهان نماد آزادی و آزادی‌خواهی، سبیل دیالکتیک تفاهم و تعامل در همه شقوق فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و نماد وحدت ایرانیان قرار داشته است و لذا «نقش جهان» نقشی از احساس زیست جهان بر تارک قطعه‌ای از زمین بهشت قرار گرفته است که همچون نگین مستطیلی شکل خوش قواره بر انگشتر اصفهان می‌درخشد.

نگینی که درخشش و جوششی به بلندای آزادی مردمانی داشته است که در یک روز در انبوه دستان به سوی آسمان بلند شده ساکنین نصف جهان، شاهد تشییع پیکر ۳۷۰ شهید گلگون کفن و جوان به خون آغشته این شهر بود.

خاطره‌ای که روح آزادی و شرافت را بار دیگر در خاطره این پیر سالخورده تاریخ زنده نمود و شکوه آن تا ابد بر خشت خشت این میدان با شکوه نقش بست تا میدان نقش جهان تا بلندای همیشگی تاریخ جلوه‌گاهی برای تفاهم، حماسه و شکوه باشد و پس از آن این پیر کهنسال منتظر است؛ منتظر بزرگ مردی که بار دیگر هلهله و شادمانی را برای مردمان این دیار به ارمغان آورد و اکنون تنها به شادمانی کودکان و نوجوانانی دلخوش کرده است که هر شامگاهان در کنار حوض آب میانی که به جای میدان چوگان ساخته شده است، به بازی‌های کودکان مشغولند.

منابع

- اسناد راهبردی برنامه ششم توسعه استان اصفهان (۱۳۹۶). جلد سوم: حوزه‌های فرابخشی. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان. اصفهان.
- بارت، رولان. (۱۳۸۰). برج ایفل. مجله ارغنون، ترجمه یوسف ابادری. شماره ۱۹: ۳۱-۴۳.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۶). بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران (چاپ دوم). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ویکی‌پدیا. (۱۴۰۳). فتح اصفهان (انقلاب مشروطه ایران). تاریخ مشاهده: ۱۴۰۳/۱۰/۵. <https://fa.wikipedia.org/wiki> بازبینی شده از
- Baldwin, E., et al. (1999). *Introducing cultural studies*. Prentice-Hall.
- Barthes, R. (1979). *The Eiffel Tower and other mythologies*. Hill and Wang.
- Hillenbrand, R. (1994). *Islamic architecture: Form, function, and meaning*. Columbia University Press.
- Matthee, R. (2012). *The age of Safavid Iran*. Bloomsbury.
- Swaan, W. (1966). *Isfahan, pearl of Persia* (208 p., illus., part col.). Stein and Day.



“Naqsh-e Jahan”: The Cultural Glory of “Nesf-e Jahan”¹

Hadi Zamani

PhD Student in Sociology, University of Tehran,
Kish International Campus (Corresponding Author)
hadizamani1404@yahoo.com

Mohammad Reza Hosseini

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities,
Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran
m.hosseini@abru.ac.ir

Abstract

“Naqsh-e Jahan” Square, as one of the most prominent cultural and historical symbols of Iran, has consistently attracted the attention of researchers in the fields of cultural sociology and art history. Inspired by the theoretical framework of cultural sociologists such as Roland Barthes, this article seeks to analyze Naqsh-e Jahan Square not merely as an architectural monument but as a living narrative that intertwines politics, religion, economy, and art throughout Iranian history. The primary aim of this study is to propose a model for the globalization of Iran’s historical heritage through the production of refined cultural and literary texts—an approach that, akin to the successful experience of the Eiffel Tower in France, could transform Naqsh-e Jahan Square into a global cultural icon. The findings reveal that Naqsh-e Jahan Square transcends its architectural significance to embody the historical and cultural identity of the Iranian nation, an identity shaped by major historical events, the coexistence of diverse religions and ethnicities, and the splendor of Iranian-Islamic art and architecture. This article underscores the necessity of literary and sociological narration for the global branding and introduction of Iran’s historical monuments and positions Naqsh-e Jahan Square as an exemplary manifestation of the unparalleled capacities of Iran’s cultural heritage.

Keywords: Naqsh-E Jahan Square, Isfahan, Cultural Sociology, Historical Identity, Iranian-Islamic Architecture, Cultural Branding, International Communications

¹ Isfahan